

## توضیحی درباره درباره چیستی غفلت - فراموشی یاد خدا

(۱) فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ – هنگامی که بر سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می خوانند (و غیر او را فراموش می کنند) اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرك می شوند (عنکبوت ۶۵)

(۲) وَ إِذَا مَسَّ الْأَنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنَاحِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَافِنًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّةً مَرَّ كَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرُّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زَيْنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ – هنگامی که ضرری به انسان برسد، در حالی که به پهلو خوابیده یا نشسته و یا ایستاده است، ما را می خواند، ولی چون ضرر را از او برطرف ساختیم، چنان به راه خود می رود که گویی هرگز ما را برای گرفتاری که به وی رسیده بود، نخوانده است! این گونه برای اسرافکاران، عملکردشان زیبا جلوه می کند. (یونس ۱۲)

(۳) و باز در سوره یونس می فرماید:

وَ إِذَا أَدْفَنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءٍ مَسْتَهْمِمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرُرٌ فِي ءَايَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرُرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (۲۱)

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَ جَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَ فَرَحُوا بِهَا جَاءَتْهُمْ رِيحٌ عَاصِفٌ وَ جَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ طَلُوا أَنَّهُمْ أَجْيَطُ بِهِمْ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۲۲)

فَلَمَّا أَنْجَهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَأْيَهُ النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الْدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنَبْيَسُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳)

و هرگاه پس از رنجی که به مردم رسیده، (طعم) رحمت و لطفی به آنان بچشانیم، (به جای سپاس)، در آیات ما مکر و حیله می کند. بگو: تدبیر الهی سریعتر و نافذتر است. \*۲۱ او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد، تا آن گاه که در کشتی باشید و بادی موافق، کشتیها را به جریان در آورد و بدین وسیله خوشحال شوند، ناگهان تندبادی آید و موج از هر سو سراغشان آید و گمان برند که در محاصره‌ی بلا گرفتارند، (در این هنگام) خداوند را با اخلاص عقیده می خوانند (و می گویند): اگر ما را از این خطر نجات دهی، قطعاً از شاکران خواهیم بود. \*

پس چون خداوند نجات‌شان داد، در آن هنگام در زمین به ناحق سرکشی می کنند. ای مردم! همانا سرکشی شما فقط به زیان خودتان است. کامیابی زندگی دنیا (چند روزی بیش نیست)، سپس بازگشت شما به سوی ماست که شما را به عملکردتان آگاه خواهیم ساخت (و کیفر ستم‌هایتان را خواهیم داد). ۲۳.

## عوامل غفلت

در آیات و روایات به مسائلی به عنوان عوامل ایجاد غفلت اشاره شده است که بعضی از آن‌ها زیر مجموعه بعضی دیگر است. اما در اینجا ما فارغ از این موضوع، آن‌چه از این کلام‌های نورانی به دست آورده‌ایم به صورت فهرست‌وار نقل می‌نماییم.

### (۱) توجه به ظواهر دنیا

خداآوند در آیات ابتدایی سوره روم بعد از این‌که وعده پیروزی رومیان بر ایرانیان را می‌دهد، می‌فرماید:

وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَا كَيْنَ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

«این وعده‌ای است که خدا کرده و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!» (روم/۶)

سپس دلیل این نادانی و بی توجهی مردم را غفلت آنان بیان می‌کند:

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ

آن‌ها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند!» (روم/۷)  
 «با تکرار ضمیر "هم" به این حقیقت اشاره می‌کند که علت این غفلت و بی‌خبری خود آن‌ها هستند، درست مثل این‌که کسی به ما بگوید: مرا از این امر تو غافل کردی، و در جواب بگوییم: تو خودت غافل شدی، یعنی سبب غفلت خودت بودی.» (تفسیر نمونه ج ۱۶ ص ۳۶۵)  
 «بینش یک انسان مؤمن و الهی با یک فرد مادی یا مشرك تفاوت بسیار دارد. اولی طبق عقیده توحیدی جهان را مخلوق خداوند حکیم و آگاهی می‌داند که تمام افعالش روی حساب و برنامه است. این بینش توحیدی به او می‌گوید: از کنار هیچ حادثه و هیچ موضوعی ساده نگذر زیرا ممکن است ساده‌ترین مسائل پیچیده‌ترین آن‌ها باشد. در حالی که یک فرد مادی و بی‌ایمان دنیا را مجموعه‌ای از حوادث کور و کر و بی‌هدف می‌شمرد، و جز به ظاهر آن نمی‌اندیشد. اصلاً برای آن باطن و عمقی قائل نیست و این اختلاف دیدها در تمام زندگی آن‌ها اثر می‌گذارد: آن "ظاهربین" انفاق را سبب خسaran و زیان می‌شمرد، در حالی که این "وحدت" تجارتی پر سود می‌داند. آن یکی رباخواری را مایه‌ی افزایش درآمد، و این یکی مایه‌ی وبال و بدبختی و زیان. آن یکی جهاد را مایه دردرس و شهادت را به معنی نابودی و این یکی جهاد را رمز سربلندی و شهادت را حیات جاویدان می‌شمرد.» (نمونه ج ۱۶ ص ۳۶۷)